

دکتر ابو تراب نفیسی

رئیس سابق دانشکده پزشکی اصفهان

## شناخت طبیعت و محیط انسان

(۳)

در این سلسله مقالات ارزنده کوشش شده است که به شی  
سؤال همیشگی انسانها: من کجا هستم، من کیستم؟ چگونی نه  
و چگونه بوجود آمده‌ام؟ از کجا آمده‌ام و به کجا  
می‌روم؟ چرا به وجود آمده‌ام؟ و چه باید بکنم؟ که  
هرشش سؤال فطری هستند « با تکیه به آیات قرآن  
پیرامون مسأله «تفکر» پاسخ گفته شود. قسمتهائی از  
این مقالات را که جنبه مقدمه داشته در شماره‌های قبل  
مطالعه فرموده‌اید اکنون به بقیه بحثها توجه فرمائید.  
« مکتب اسلام »

ج - آیه ۳ سوره رعد ( نازل شده در سالهای ششم و هفتم هجری )

وهوالذی مدارض وجعل فیها رواسی وانهاراً ومن کل الثمرات ، وجعل فیها  
زوجین اثین ینشی الیل النهار ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون :  
« یعنی خداوند آنکسی است که زمین را گسترده ، و در آن کوهها و نهرها را قرار داد و  
همچنین قرار داد از هر نوع میوه دوزج و می پوشاند ( پرده از ) شب روز را در این هدیده‌ها  
نشانه‌ها و آیاتی است برای مردمی که فکرمی کنند . »

در این جا نیز قوانین دیگری از نظم جهان را بیان می‌کند که شایسته است بدانها  
نظر افکنیم و به محیط خود بیشتر آشنا شویم و آنها عبارتند از :

۱ - گسترده شدن زمین و پیدایش کوهها و اثر وجودی آنها در استقرات تعادل زمین و

همچنین در پیدایش چشمه‌ها و منابع نخستین حیات که ذخیره شدن آب در زمین و بعد جاری شدن به صورت نهرها و در نتیجه به وجود آمدن شکل‌های گوناگون حیات، از گیاه و حیوان و انسان - مضافاً به اینکه مواد اصلی سازنده حیوانات و عناصر یا آجرهای ساختمان اولیه همه آنها در دل همین زمین و کوه‌ها بصورت معادن و عناصر معدنی وجود دارد - و به نحوی دیگر سیستم پیدایش و بقای موجودات را از عناصر روشن می‌سازد که در نمودار زیر خلاصه گردانیده‌ایم:

عناصر اولیه غیر آلی موجود در زمین + آب ← مواد آلی و ارگانیک ← هسته اولیه موجودات زنده ← حیات گیاه و حیوان و انسان .

ونکته جالبی دیگری که در این آیه هست آوردن لغت «رواسی» است یعنی میخ‌ها و وسائلی که برای تثبیت و نگهداری چیزی بکار می‌رود و آن لقبی است که به کوه‌ها و فلسفه وجودی آنها در استقرار زمین داده است که شایسته است مورد مطالعه بیشتر قرار گیرد و قوانین دیگری از قانون‌های الهی بیشتر فهمیده شود .

۲ - جفت بودن همه میوه‌های روی زمین است که مفسرین آوردن لغت تثبیه «ائین» را برای تأکید فرض کرده‌اند و آن نشان دهنده اینست که همه میوه‌جات جفت هستند و هر چه به آن در اصطلاح مردم میوه نامیده می‌شود از امتزاج يك جفت نروماده به وجود آمده خواه نروماده در روی يك درخت یا يك گل باشد مثل اکثر میوه‌جات معروف به سردرختی یا اینکه در روی گل‌های مختلف و در روی يك درخت باشد مانند گردو و فندق و غیره یا اینکه در روی درخت‌های مختلف باشد مانند خرما و بعضی میوه‌جات گرمسیری چون پاپایا **Papaya** (خربوزه درختی) - و اگر لغت میوه را عام تر فرض کنیم و آنرا به ثمره هر موجود زنده‌ای اعم از گیاه و حیوان و انسان گسترش دهیم باز می‌بینیم لغت «خلقت از زوج» در باره آنها صادق است زیرا هر موجود زنده‌ی عالی برای تکثیر معمولاً (با استثنای بعضی گیاهان پست مانند باکتری‌ها و میکروب‌ها که بدون وجود جنس نر و ماده تکثیر می‌شوند یا گیاهانی بوسیله اسپریا هاگ تکثیر می‌شوند مانند سرخس و خزه و قارچ و غیره) از امتزاج يك زوج سلول نر و سلول ماده بوجود می‌آید - و اگر هم از این هم پا را فراتر نهیم و زوج را عام تر فرض کنیم می‌بینیم هر چه در وجود است از امتزاج ماده و صورت - رنگها - طعم‌ها - صفت‌ها بطوریکه هر چه در عالم وجود است از نوعی امتزاج برخوردار است که یا دارای ضدی است یا تکمیل و مکملی برای ترکیب و همان جزء لاینفکی یا «اتم» هم از امتزاج پروتون‌ها و الکترون‌ها یا عوامل مثبت و منفی تشکیل شده و آیه و من کل شئی خلقنا زوجین (۱) (از هر چیزی جفت آفریدیم) اشاره بآنست که هر چه در عالم وجود است نوعی

زوج دارد و مزدوج است (و حتی فرازونشیب موج‌ها را که تشکیل دهنده همه پدیده‌های فیزیکی هستند می‌توان نوعی زوج بحساب آورد) باستثنای وجود خداوند که فرد است و یگانه .

پس ملاحظه می‌شود که ، با تفکر در همین قسمت از آیه می‌توانیم قوانین ثابت عمومی را که قانون « زوجیت مواد متشکله وجود » را تشکیل می‌دهد درک کنیم و در ضمن پی‌بوحدانیت و یگانگی خداوند ببریم که تنها او است که یگانه است « قل هو الله احد » و این صفت منحصر با او است نه غیر او .

۳ - انتهای آیه توجه ما را به نوعی زوج یا مکمل دیگر که در طبیعت شاهد آن هستیم راهنمایی می‌کند و آن وجود شب و روز است که آنها را نیز در اصطلاح می‌توان زوج دانست و مثل هر زوج دیگر مکمل یکدیگر ، که وجود آندو برای بقای حیات و پرورش موجودات ضروری است و نشان دهنده اثر وجودی یکی دیگر از مظاهر الهی یعنی خورشید است که از عوامل اصلی پیدایش حیات و از آنجمله انسان بشمار می‌رود و همانقدر که وجود نور (یعنی روز) برای حیات هر موجود زنده لازم است وجود تاریکی (و شب) نیز مورد نیاز است که مخصوصاً در زندگی گیاهی ، حیوانی و انسانی بطور وضوح آشکار است .

۵ - آیه ۶۹ سوره نحل : و اوحی ربك الى النحل ان اتخذی من الجبال بیوتا ومن الشجر وما یعرشون ثم کلی من کل الثمرات واسلکی سبل ربك ذللا یخرج من بطونها شراب مختلف الوانه فیه شفاء للناس ان فی ذلک لایة لقوم یتفکرون .

« معنی آیه : وحی کرد پروردگارت به زنبور عسل که از کوه‌ها و از درختان و از بلندبها و خانه‌هایی که مردم بنا می‌کنند خانه بساز و مسکن گزین - سپس از هر گونه میوه بخور و روای را که پروردگارت برای تو تعیین کرد منقاد و رام برو - خارج می‌شود از شکم زنبور نوشابه که رنگ‌های مختلف دارد و در آن (عسل) شفائی برای انسان است - در این باره نشانه و آیه‌ای است برای آن دسته که تفکر می‌کنند . »

تفکر در این آیه نکات و مطالب زیبر را از زندگی زنبور عسل بما می‌آموزاند و مسلماً از تفکر در این خصوصیات راه‌هایی برای جهان بینی اسلامی بما نموده شده است که باید در آنها بیشتر غور کنیم و ما برای سهولت کار ، آنها را بترتیب دسته‌بندی می‌کنیم بقرائز زیر :  
 ۱ - طرف وحی قرار گرفتن زنبور عسل که نشان دهنده عام بودن « وحی » است و آن بکار بردن لغت وحی درباره زنبور است که می‌رساند وحی بحیوان ( زنبور عسل ) یا انسان معمولی ( مادر موسی ) یا مردم دیگر ( وحی کردن زکریا بمردم ) یا انسان‌ها و موجودات ناپیدا و شیاطین ( ۱ ) که همه جزو وحی‌های عام است با وحی خاص که به پیامبران نازل می‌شود

فرق دارد زیرا در لغت عرب « وحی بمعنی اشاره در تسریع و زود گذراندن کارها گویند (۱) و در گفتار بمعنی بکار بردن رمز است خواه با اشاره یا نوشته و نظائر آن . »  
 و در اینجا مقصود خصوصیتی است فطری که در نهاد زنبور عسل قرار داده شده و راه و روش زندگی مخصوص او را که از دیگر زنبورهای همجنس ممتاز و مشخص می‌سازد و تعیین می‌کند و این خصوصیات زنبور عسل را در قسمت بعدی روشن می‌سازد .  
 این رمز که خداوند در نهاد زنبور عسل قرار داده است و او را از سایر همگنان و همجنسان مشخص می‌سازد باید وجه تمایزی خاص برای این حیوان باشد که با هیچ قانون بیولوژی تکامل داروینی جور در نیاید زیرا طبق نظریه داروین هر گونه تغییر بیولوژی که در حیوانی بوجود آمد باید از نظر زندگی وی در محیط مورد لزوم باشد یعنی عضو تازه بوجود آمده باید در جهت سازگار شدن بیشتر حیوان با محیط ناسازگار و بقای اصلح باشد و حال آنکه با مقایسه زنبور عسل با سایر زنبورها که با وی در یک خانواده هستند می‌بینیم ساختن عسل و این کارگاه عظیم و منظم و همچنین نظم فوق‌العاده‌ای که در خانه سازی و خانه داری و اجتماع این حیوان وجود دارد هیچ لزومی برای بقای بیولوژیک وی ندارد و در سلسله موجودات بعد از او و ظاهراً کاملتر از او نیز این نحوه عمل و نظم و عسل سازی ادامه ندارد که آنرا جزو پدیده‌های تکاملی بقای اصلح بشمار آوریم. بنا بر این باید رمزی در این کار باشد که غفلتاً و بصورت نوعی جهش - نه جهش بمعنای موتاسیون (Mutation) که در اصطلاح بیولوژی برای بقای نوعی بکار می‌رود - بلکه جهش از طریق اراده تاهری که ما آنرا در اصطلاح «خدا» می‌نامیم در دستگاه ژنتیک زنبور عسل بوجود آمده و او را در مسیر دیگری قرار داده که خداوند در این آیه سه خصوصیت نهادی آنرا برای ما شرح داده و ما را از این راه متوجه رازهای آفرینش نموده است که در قسمت‌های بعدی شرح می‌دهیم این تغییرات بصورت رمزهای ژنتیک در نسل زنبور عسل مرتباً با رث رسیده و تا امروز ادامه دارد پس چه لغتی بهتر از «وحی» می‌تواند رساننده این رمز در انجام کاری خاص باشد .

۱ - مفردات راغب اصفهانی

